

قانون اساسی افغانستان

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين والصلواه والسلام على سيد الأنبياء والمرسلين

محمد (ص) وعلى آله وأصحابه أجمعين . مقدمه

ما مردم افغانستان : با ايمان راستخ به ذات پاک خداوند (ج) و توکل به مشیت حق تعالی

و اعتقاد به دین مقدس اسلام . با درک بی عدالتی ها و نابسامانی های گذشته و مصایب بی

شماری که بر کشور ما وارد آمده است؛

• با تقدیر از فداکاری ها، مبارزات تاریخی ، جهاد و مقاومت برحق تمام مردم افغانستان

و ارج گذاری به مقام والای شهدای راه آزادی کشور؛

• با درک این که افغانستان واحد و یکپارچه به همه اقوام و مردم این سرزمین تعلق دارد؛

• با رعایت منشور ملل متحد و با احترام به اعلامیه جهانی حقوق بشر؛

• به منظور تحکیم وحدت ملی و حراست از استقلال ، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی

کشور؛

• به منظور تأسیس نظام متکی بر اراده مردم و دموکراسی ؛

- به منظور ایجاد جامعه مدنی عاری از ظلم ، استبداد ، تبعیض و خشونت و مبتنی بر قانونمندی ، عدالت اجتماعی ، حفظ کرامت و حقوق انسانی و تأمین آزادی ها

و حقوق اساسی مردم؛

- به منظور تقویت بنیاد های سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی و دفاعی کشور؛
- به منظور تأمین زندگی مرفه و محیط زیست سالم برای همه ساکنان این سرزمین ؛
- و سرانجام ، به منظور تثبیت جایگاه شایسته افغانستان در خانواده بین المللی؛

این قانون اساسی را مطابق به واقعیت های تاریخی ، فرهنگی و اجتماعی کشور و مقتضیات

عصر ، از طریق نمایندگان منتخب خود در لویه جرگه مورخ چهاردهم جدی سال یک هزار و

سه صد و هشتاد و دو هجری شمسی در شهر کابل تصویب کردیم .

فصل اول

دولت

ماده اول

افغانستان، دولت جمهوری اسلامی، مستقل، واحد و غیر قابل تجزیه می باشد.

ماده دوم:

دین دولت جمهوری اسلامی افغانستان، دین مقدس اسلام است. پیروان سایر ادیان در پیروی

از دین و اجرای مراسم دینی شان در حدود احکام قانون آزاد می باشند.

ماده سوم:

دراغانستان هیچ قانون نمی تواند مخالف معتقدات و احکام دین مقدس اسلام باشد.

ماده چهارم:

حاکمیت ملی در افغانستان به ملت تعلق دارد که به طور مستقیم یا توسط نمایندگان خود آنرا

اعمال می کند.

ملت افغانستان عبارت است از تمام افرادی که تابعیت افغانستان را دارا باشند. ملت افغانستان متشکل از اقوام پشتون، تاجک، هزاره، ازبک، ترکمن، بلوچ، پشه یی، نورستانی، ایماق، عرب، قرغیز، قزلباش، گوجر، براهوی و سایر اقوام میباشد. بر هر فرد از افراد ملت افغانستان کلمهء افغان اطلاق می شود. هیچ فرد از افراد ملت از تابعیت افغانستان محروم نمی گردد. امور مربوط به تابعیت و پناهندگی توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده پنجم:

تطبيق احكام اين قانون اساسی و سایر قوانین، دفاع از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی و تأمین امنیت و قابلیت دفاعی کشور از وظایف اساسی دولت می باشد.

ماده ششم:

دولت به ایجاد یک جامعهء مرفه و مترقی براساس عدالت اجتماعی، حفظ کرامت انسانی، حمایت حقوق بشر، تحقق دموکراسی، تأمین وحدت ملی، برابری بین همه اقوام و قبایل و انکشاف متوازن در همه مناطق کشور مکلف می باشد.

ماده هفتم:

دولت منشور ملل متحد، معاهدات بین الدول، میثاق های بین المللی که افغانستان به آن ملحق شده است و اعلامیهء جهانی حقوق بشر را رعایت می کند. دولت از هر نوع اعمال تروریستی، زرع و قاچاق مواد مخدر و تولید و استعمال مسکرات جلوگیری می کند.

ماده هشتم:

دولت سیاست خارجی کشور را بر مبنای حفظ استقلال، منافع ملی و تمامیت ارضی و عدم مداخله، حسن همجواری، احترام متقابل و تساوی حقوق تنظیم می نماید.

ماده نهم:

معادن و سایر منابع زیر زمینی و آثار باستانی ملکیت دولت می باشند. حفاظت و ادارهء املاک دولت و طرز استفادهء درست از منابع طبیعی و سایر املاک عامه توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده دهم:

دولت، سرمایه گذاریها و تشبثات خصوصی را مبتنی بر نظام اقتصاد بازار، مطابق به احکام قانون، تشویق، حمایت و مصئونیت آنها را تضمین می نماید.

ماده یازدهم:

امور مربوط به تجارت داخلی و خارجی ، مطابق به ایجابات اقتصادی کشور و مصالح مردم ، توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده دوازدهم:

دافغانستان بانک، بانک مرکزی دولت و مستقل می باشد. نشر پول و طرح و تطبیق سیاست پولی کشور، مطابق به احکام قانون ، از صلاحیت بانک مرکزی می باشد. بانک مرکزی در مورد چاپ پول با کمیسیون اقتصادی ولسی جرگه (مجلس نمایندگان) مشوره می نماید. تشکیل و طرز فعالیت این بانک توسط قانون تنظیم می شود .

ماده سیزدهم:

دولت برای انکشاف صنایع ، رشد تولید، ارتقای سطح زندگی مردم و حمایت از فعالیتهای پیشه وران، پروگرامهای موثر طرح و تطبیق می نماید.

ماده چهاردهم:

دولت برای انکشاف زراعت و مالداری، بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و معیشتی دهقانان و مالداران و اسکان و بهبود زندگی کوچیان، در حدود بنیهء مالی دولت ، پروگرامهای موثر

طرح و تطبیق می نماید. دولت به منظور تهیه مسکن و توزیع ملکیت‌های عامه برای اتباع مستحق ، مطابق به احکام قانون و در حدود امکانات مالی، تدابیر لازم اتخاذ می نماید.

ماده پانزدهم:

دولت مکلف است در مورد حفظ و بهبود جنگلات و محیط زیست تدابیر لازم اتخاذ نماید.

ماده شانزدهم :

از جمله زبانهای پشتو، دری ، ازبکی، ترکمنی، بلوچی ، پشه یی ، نورستانی، پامیری و سایر

زبانهای رایج در کشور، پشتو و دری زبانهای رسمی دولت میباشند. در مناطقیکه اکثریت مردم

به یکی از زبان های ازبکی، ترکمنی، پشه یی، نورستانی، بلوچی و یا پامیری تکلم می نمایند

آن زبان علاوه بر پشتو و دری به حیث زبان سوم رسمی می باشد و نحوه تطبیق آن توسط

قانون تنظیم می گردد. دولت برای تقویت و انکشاف همه زبانهای افغانستان پروگرامهای موثر

طرح و تطبیق مینماید . نشر مطبوعات و رسانه های گروهی به تمام زبانهای رایج در کشور آزاد

می باشد. مصطلحات علمی و اداری ملی موجود در کشور حفظ میگردد.

ماده هفدهم :

دولت برای ارتقای معارف درهمه سطوح ، انشکاف تعلیمات دینی، تنظیم و بهبود وضع مساجد، مدارس و مراکز دینی تدابیر لازم اتخاذ می نماید .

ماده هجدهم:

مبداء تقویم کشور برهجرت پیغمبر اکرم (ص) استوار است . مبنای کار ادارات دولتی تقویم هجری شمسی می باشد. روزهای جمعه، ۲۸ اسد و ۸ ثور تعطیل عمومی است. سایر رخصتی ها توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده نهم:

بیرق افغانستان مرکب است از: سه قطعه بارنگ های سیاه، سرخ و سبز که به صورت عمودی، به اندازه های مساوی ، از چپ به راست ، در کنار هم واقع شده، عرض هر رنگ برابر نصف طول آن است و دروسط آن نشان ملی افغانستان قرار دارد. نشان ملی افغانستان عبارت از محراب و منبر به رنگ سفید می باشد که در دو گوشه آن دو بیرق و دروسط آن درقسمت فوقانی، کلمه مبارک لا اله الا الله محمد رسول الله و الله اکبر و اشعه خورشید درحال طلوع و درقسمت تحتانی آن تاریخ ۱۲۹۸ هجری شمسی و کلمه افغانستان ، جاداشته و از دو طرف با خوشه های گندم احاطه شده است . طرزاستفاده از بیرق و نشان ملی توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده بیستم:

سرود ملی افغانستان به زبان پشتو و با ذکر الله اکبر و نام اقوام افغانستان می باشد.

ماده بیست و یکم:

پایتخت افغانستان شهر کابل می باشد.

فصل دو:

حقوق اساسی و وجایب اتباع

ماده بیست و دوم:

هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است. اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در

برابرقانون دارای حقوق و وجایب مساوی می باشند.

ماده بیست و سوم:

زندگی موهبت الهی و حق طبیعی انسان است. هیچ شخص بدون مجوز قانون از این حق

محروم نمی گردد.

ماده بیست و چهارم:

آزادی حق طبیعی انسان است. این حق جز آزادی دیگران و مصالح عامه که توسط قانون تنظیم می گردد، حدودی ندارد. آزادی و کرامت انسان از تعرض مصون است. دولت به احترام و حمایت آزادی و کرامت انسان مکلف می باشد.

ماده بیست و پنجم:

برائت ذمه حالت اصلی است. متهم تاوقتی که به حکم قطعی محکمه (دادگاه) باصلاحیت محکوم علیه قرار نگیرد، بی گناه شناخته می شود.

ماده بیست و ششم:

جرم یک عمل شخصی است. تعقیب، گرفتاری یا توقیف متهم و تطبیق جزا بر او به شخص دیگری سرایت نمی کند.

ماده بیست و هفتم:

هیچ عملی جرم شمرده نمی شود مگر به حکم قانونی که قبل از ارتکاب آن نافذ گردیده باشد. هیچ شخص را نمی توان تعقیب، گرفتار و یا توقیف نمود مگر برطبق احکام قانون. هیچ شخص را نمی توان مجازات نمود مگر به حکم دادگاه باصلاحیت و مطابق به احکام قانونی که قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ گردیده باشد.

ماده بیست و هشتم:

هیچ یک از اتباع افغانستان به علت اتهام به جرم، به دولت خارجی سپرده نمی شود مگر براساس معاملهء بالمثل و پیمان های بین الدول که افغانستان به آن پیوسته باشد. هیچ افغان به سلب تابعیت و یا تبعید در داخل یا خارج افغانستان محکوم نمی شود.

ماده بیست و نهم:

تعذیب انسان ممنوع است. هیچ شخص نمی تواند حتی به مقصد کشف حقایق از شخص دیگر، اگر چه تحت تعقیب، گرفتاری یا توقیف و یا محکوم به جزا باشد، به تعذیب او اقدام کند یا امر بدهد. تعیین جزایی که مخالف کرامت انسانی باشد، ممنوع است.

ماده سی ام:

اظهار، اقرار و شهادتی که از متهم یا شخص دیگری به وسیلهء اکراه به دست آورده شود، اعتبار ندارد. اقرار به جرم عبارت است از اعتراف متهم با رضایت کامل و در حالت صحت عقل، در حضور دادگاه با صلاحیت.

ماده سی و یکم:

هر شخص می تواند برای دفع اتهام به مجرد گرفتاری و یا برای اثبات حق خود، وکیل مدافع تعیین کند. متهم حق دارد بمجرد گرفتاری، از اتهام منسوب اطلاع یابد و در داخل میعاد که قانون تعیین می کند در دادگاه حاضر گردد. دولت در قضایای جنایی برای متهم بی بضاعت وکیل مدافع تعیین می نماید. محرمت مکالمات، مراسلات و مخابرات بین متهم و وکیل آن، از هر نوع تعرض مصون میباشد. وظایف و صلاحیت های وکلای مدافع توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده سی و دوم:

مدیون بودن شخص موجب سلب یا محدود شدن آزادی وی نمی شود. طرز و وسایل تحصیل دین توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده سی و سوم:

اتباع افغانستان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را دارا می باشند. شرایط و طرز استفاده از این حق توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده سی و چهارم:

آزادی بیان از تعرض مصون است. هرافغان حق دارد فکر خود را به وسیلهء گفتار، نوشته، تصویر و یا وسایل دیگر، با رعایت احکام مندرج این قانون اساسی اظهار نماید. هرافغان حق دارد مطابق به احکام قانون، به طبع و نشر مطالب، بدون ارائه قبلی آن به مقامات دولتی، پردازد. احکام مربوط به مطابع، رادیو و تلویزیون، نشر مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده سی و پنجم:

اتباع افغانستان حق دارند به منظور تأمین مقاصد مادی و یا معنوی مطابق به احکام قانون، جمعیتها تأسیس نمایند. اتباع افغانستان حق دارند، مطابق به احکام قانون، احزاب سیاسی تشکیل دهند، مشروط بر اینکه: ۱- مرامنامه و اساسنامهء حزب، مناقض احکام دین مقدس اسلام و نصوص و ارزشهای مندرج این قانون اساسی نباشد؛ ۲- تشکیلات و منابع مالی حزب علنی باشد؛ ۳- اهداف و تشکیلات نظامی و شبه نظامی نداشته باشد؛ ۴- وابسته به حزب سیاسی و یا دیگر منابع خارجی نباشد؛ تأسیس و فعالیت حزب بر مبنای قومیت، سمت، زبان و مذهب فقهی جواز ندارد. جمعیت و حزبی که مطابق به احکام قانون تشکیل می شود، بدون موجبات قانونی و حکم دادگاه با صلاحیت منحل نمی شود.

ماده سی و ششم:

اتباع افغانستان حق دارند برای تأمین مقاصد جایز و صلح آمیز، بدون حمل سلاح، طبق قانون اجتماع و تظاهرات نمایند.

ماده سی و هفتم:

آزادی و محرمانیت مراسلات و مخابرات اشخاص چه به صورت مکتوب باشد و چه به وسیله تلفون، تلگراف و وسایل دیگر، از تعرض مصون است. دولت حق تفتیش مراسلات و مخابرات اشخاص را ندارد، مگر مطابق به احکام قانون.

ماده سی و هشتم:

مسکن شخص از تعرض مصون است. هیچ شخص، به شمول دولت، نمی تواند بدون اجازه ساکن یا قرار دادگاه با صلاحیت و به غیر از حالات و طرزى که در قانون تصریح شده است، به مسکن شخص داخل شود یا آن را تفتیش نماید. در مورد جرم مشهود، مامور مسئول می تواند بدون اجازه قبلی دادگاه، به مسکن شخص داخل شود یا آن را تفتیش کند. مامور مذکور مکلف است بعد از داخل شدن یا اجرای تفتیش، در خلال مدتی که قانون تعیین می کند قرار دادگاه را حاصل نماید.

ماده سی و نهم:

هراغان حق دارد به هر نقطهء کشور سفر نماید و مسکن اختیار کند، مگر در مناطقی که قانون ممنوع قرار داده است. هراغان حق دارد مطابق به احکام قانون به خارج افغانستان سفر نماید و به آن عودت کند. دولت از حقوق اتباع افغانستان در خارج از کشور حمایت می نماید.

ماده چهلیم:

ملکیت از تعرض مصون است. هیچ شخص از کسب ملکیت و تصرف در آن منع نمی شود، مگر در حدود احکام قانون. ملکیت هیچ شخص، بدون حکم قانون و فیصلهء دادگاه با صلاحیت مصادره نمی شود. استملاک ملکیت شخص، تنها به مقصد تأمین منافع عامه، در بدل تعویض قبلی و عادلانه، به موجب قانون مجاز می باشد. تفتیش و اعلان دارایی شخص، تنها به حکم قانون صورت می گیرد.

ماده چهل و یکم:

اشخاص خارجی در افغانستان حق ملکیت اموال عقاری را ندارند. اجارهء عقار بمنظور سرمایه گذاری، مطابق با حکام قانون مجاز می باشد. فروش عقار به نمایندگی های سیاسی دول خارجی و به موسسات بین المللی که افغانستان عضو آن باشد، مطابق به احکام قانون، مجاز میباشد.

ماده چهل و دوم:

هراغان مکلف است مطابق به احکام قانون به دولت مالیه و محصول تادیه کند. هیچ نوع مالیه و محصول، بدون حکم قانون، وضع نمی شود. اندازه مالیه و محصول و طرز تادیه آن، با رعایت عدالت اجتماعی، توسط قانون تعیین می گردد. این حکم در مورد اشخاص و موسسات خارجی نیز تطبیق میشود. هر نوع مالیه، محصول و عواید تادیه شده، به حساب واحد دولتی تحویل داده می شود.

ماده چهل و سوم:

تعلیم حق تمام اتباع افغانستان است که تا درجه لیسانس در موسسات تعلیمی دولتی به صورت رایگان از طرف دولت تأمین میگردد. دولت مکلف است به منظور تعمیم متوازن معارف در تمام افغانستان، تأمین تعلیمات متوسطه اجباری، پروگرام موثر طرح و تطبیق نماید و زمینه تدریس زبانهای مادری را در مناطق که به آنها تکلم می کنند فراهم کند.

ماده چهل و چهارم:

دولت مکلف است به منظور ایجاد توازن و انکشاف تعلیم برای زنان، بهبود تعلیم کوچیان و امحای بی سوادی در کشور، پروگرامهای موثر طرح و تطبیق نماید.

ماده چهل و پنجم:

دولت نصاب واحد تعلیمی را، بر مبنای احکام دین مقدس اسلام و فرهنگ ملی و مطابق با اصول علمی، طرح و تطبیق می کند و نصاب مضامین دینی مکاتب را، بر مبنای مذاهب اسلامی موجود در افغانستان، تدوین می نماید.

ماده چهل و ششم:

تأسیس و اداره موسسات تعلیمات عالی، عمومی و اختصاصی وظیفه دولت است. اتباع افغانستان می توانند به اجازه دولت به تأسیس موسسات تعلیمات عالی، عمومی، اختصاصی و سواد آموزی اقدام نمایند. دولت می تواند تأسیس موسسات تعلیمات عالی، عمومی و اختصاصی را به اشخاص خارجی نیز مطابق به احکام قانون اجازه دهد. شرایط شمول در موسسات تعلیمات عالی دولتی و سایر امور مربوط به آن، توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده چهل و هفتم:

دولت برای پیشرفت علم، فرهنگ، ادب و هنر پروگرامهای موثر طرح می نماید. دولت حقوق مولف، مخترع و کاشف را تضمین می نماید و تحقیقات علمی را در تمام عرصه ها تشویق و حمایت می کند و استفاده موثر از نتایج آن را، مطابق به احکام قانون، تعمیم می بخشد.

ماده چهل و هشتم:

کار حق هر افغان است . تعیین ساعات کار، رخصتی با مزد، حقوق کار و کارگر وسایر امور مربوط به آن توسط قانون تنظیم می گردد. انتخاب شغل و حرفه، در حدود احکام قانون، آزاد می باشد.

ماده چهل و نهم:

تحمیل کار اجباری ممنوع است . سهم گیری فعال در حالت جنگ، آفات وسایر حالاتی که حیات و آسایش عامه را تهدید کند، از وجایب ملی هر افغان می باشد . تحمیل کار بر اطفال جواز ندارد .

ماده پنجاهم :

دولت مکلف است به منظور ایجاد ادارهء سالم و تحقق اصلاحات در سیستم اداری کشور تدابیر لازم اتخاذ نماید. اداره اجراء خود را با بیطرفی کامل و مطابق به احکام قانون عملی می سازد. اتباع افغانستان حق دسترسی به اطلاعات از ادارات دولتی را در حدود احکام قانون دارا می باشند . این حق جز صدمه به حقوق دیگران و امنیت عامه حدودی ندارد. اتباع

افغانستان بر اساس اهلیت وبدون هیچگونه تبعیض و به موجب احکام قانون به خدمت دولت پذیرفته می شوند.

ماده پنجاه و یکم:

هر شخص که از اداره بدون موجب متضرر شود مستحق جبران خساره می باشد و می تواند برای حصول آن در دادگاه دعوا اقامه کند. به استثنای حالاتی که در قانون تصریح گردیده است، دولت نمی تواند بدون حکم دادگاه با صلاحیت به تحصیل حقوق خود اقدام کند.

ماده پنجاه و دوم:

دولت وسایل وقایه وعلاج امراض و تسهیلات صحی رایگان را برای همه اتباع مطابق به احکام قانون تأمین می نماید. دولت تأسیس وتوسعه خدمات طبی و مراکز صحی خصوصی را مطابق به احکام قانون تشویق وحمايت می کند. دولت به منظور تقویت تربیت بدنی سالم وانکشاف ورزشهای ملی ومحلی تدابیر لازم اتخاذ می نماید.

ماده پنجاه وسوم:

دولت به منظور تنظیم خدمات طبی و مساعدت مالی برای بازماندگان شهداء و مفقودین و برای باز توانی معلولین ومعیوبین وسهم گیری فعال آنان در جامعه، مطابق به احکام قانون،

تدابیر لازم اتخاذ می نماید. دولت حقوق متقاعدین را تضمین نموده، برای کهن سالان، زنان بی سرپرست، معیوبین و معلولین و ایتم بی بضاعت مطابق به احکام قانون کمک لازم به عمل می آورد.

ماده پنجاه و چهارم:

خانواده رکن اساسی جامعه را تشکیل می دهد و مورد حمایت دولت قرار دارد. دولت به منظور تأمین سلامت جسمی و روحی خانواده، بالاخص طفل و مادر، تربیت اطفال و برای ازبین بردن رسوم مغایر با احکام دین مقدس اسلام تدابیر لازم اتخاذ می کند.

ماده پنجاه و پنجم:

دفاع از وطن و جیبیه تمام اتباع افغانستان است. شرایط اجرای دورهء مکلفیت عسکری توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده پنجاه و ششم:

پیروی از احکام قانون اساسی، اطاعت از قوانین و رعایت نظم و امن عامه و جیبیه تمام مردم افغانستان است. بی خبری از احکام قانون عذر دانسته نمی شود.

ماده پنجاه و هفتم:

دولت حقوق و آزادی های اتباع خارجی را در افغانستان ، طبق قانون تضمین می کند. این اشخاص در حدود قواعد حقوق بین المللی به رعایت قوانین دولت افغانستان مکلف می باشند.

ماده پنجاه و هشتم :

دولت به منظور نظارت بر رعایت حقوق بشر در افغانستان و بهبود و حمایت از آن ، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان را تأسیس می نماید. هر شخص می تواند در صورت نقض حقوق بشری خود، به این کمیسیون شکایت نماید. کمیسیون می تواند موارد نقض حقوق بشری

افراد را به مراجع قانونی راجع سازد و در دفاع از حقوق آنها مساعدت نماید. تشکیل و طرز فعالیت این کمیسیون توسط قانون تنظیم می گردد. ماده پنجاه و نهم: هیچ شخص نمی تواند با سوء استفاده از حقوق و آزادیهای مندرج این قانون اساسی ، برضد استقلال ، تمامیت ارضی ، حاکمیت و وحدت ملی عمل کند .

فصل سوم

رئیس جمهور

ماده شصتم

رئیس جمهور در رأس دولت جمهوری اسلامی افغانستان قرار داشته، صلاحیت های خود را در عرصه های اجرائیه، تقنینیه و قضائیه، مطابق به احکام این قانون اساسی، اعمال می کند. رئیس جمهور دارای دو معاون، اول و دوم، می باشد. کاندید ریاست جمهوری نام هر دو معاون را همزمان با کاندید شدن خود به ملت اعلام میدارد. معاون اول رئیس جمهور در حالت غیاب، استعفاء و یا وفات رئیس جمهور، مطابق به احکام مندرج این قانون اساسی، عمل می کند. در غیاب معاون اول رئیس جمهور، معاون دوم مطابق به احکام مندرج این قانون اساسی عمل می کند.

ماده شصت و یکم:

رئیس جمهور با کسب اکثریت بیش از پنجاه فی صد آرای رأی دهندگان از طریق رأی گیری آزاد، عمومی، سری و مستقیم انتخاب میگردد. وظیفه رئیس جمهور در اول جوزای سال پنجم بعد از انتخابات پایان می یابد. انتخابات به منظور تعیین رئیس جمهور جدید در خلال مدت سی الی شصت روز قبل از پایان کار رئیس جمهور برگزار میگردد. هرگاه در دور اول هیچ یک از کاندیدان نتواند اکثریت بیش از پنجاه فیصد آرا را بدست آورد، انتخابات برای دور دوم در ظرف دو هفته از تاریخ اعلام نتایج انتخابات برگزار می گردد و در این دور تنها دو نفر از کاندیدانی که بیشترین آرا را در دور اول بدست آورده اند، شرکت

می نمایند. در دور دوم انتخابات، کاندیدای که اکثریت آرا را کسب کند، رئیس جمهور شناخته می شود. هر گاه یکی از کاندیدان ریاست جمهوری در جریان دور اول یا دوم رأی گیری و یا بعد از انتخابات و قبل از اعلام نتایج انتخابات وفات نماید، انتخابات مجدد مطابق به احکام قانون بر گزار می گردد.

ماده شصت و دوم:

شخصی که به ریاست جمهوری کاندید می شود، واجد شرایط ذیل می باشد: ۱- تبعه افغانستان، مسلمان و متولد از والدین افغان بوده و تابعیت کشور دیگری را نداشته باشد؛ ۲- در روز کاندید شدن سن وی از چهل سال کمتر نباشد؛ ۳- از طرف دادگاه به ارتکاب جرایم ضد بشری، جنایت و یا حرمان از حقوق مدنی محکوم نشده باشد. هیچ شخص نمی تواند بیش از دو دوره به حیث رئیس جمهور انتخاب گردد. حکم مندرج این ماده در مورد معاونین رئیس جمهور نیز تطبیق می گردد.

ماده شصت و سوم:

رئیس جمهور قبل از تصدی وظیفه، مطابق به طرز العمل خاص که توسط قانون تنظیم می گردد، حلف آتی را بجا می آورد: بسم الله الرحمن الرحيم "به نام خداوند بزرگ ج سوگند یاد می کنم که دین مقدس اسلام را اطاعت و از آن حمایت کنم قانون اساسی و سایر قوانین را

رعایت و از تطبیق آن مواظبت نمایم. از استقلال حاکمیت ملی و تمامیت ارضی افغانستان حراست و حقوق و منافع مردم افغانستان را حفاظت کنم و با استعانت از بارگاه پروردگار متعال و پشتیبانی ملت، مساعی خود را در راه سعادت و ترقی مردم افغانستان بکار برم."

ماده شصت و چهارم:

رئیس جمهور دارای صلاحیتها و وظایف ذیل می باشد: ۱- مراقبت از اجرای قانون اساسی؛ ۲- تعیین خطوط اساسی سیاست کشور به تصویب شورای ملی؛ ۳- قیادت اعلامی قوای مسلح افغانستان؛ ۴- اعلان حرب و متارکه به تائید شورای ملی؛ ۵- اتخاذ تصمیم لازم در حالت دفاع از تمامیت ارضی و حفظ استقلال؛ ۶- فرستادن قطعات قوای مسلح به خارج افغانستان به تائید شورای ملی؛ ۷- دایر نمودن جرگه بزرگ به استثنای حالت مندرج ماده شصت و نهم این قانون اساسی؛ ۸- اعلان حالت اضطرار به تائید شورای ملی و خاتمه دادن به آن؛ ۹- افتتاح اجلاس شورای ملی و جرگه بزرگ؛ ۱۰- قبلو استعفای معاونین ریاست جمهوری؛ ۱۱- تعیین وزرا، لوی ثارنوالی (دادستانی کل)، رئیس بانک مرکزی، رئیس امنیت ملی و رئیس سره میاشت به تائید مجلس نمایندگان و عزل و قبول استعفای آنها؛ ۱۲- تعیین رئیس و اعضای ستره دادگاه (دادگاه عالی) به تائید مجلس نمایندگان؛ ۱۳- تعیین، تقاعد، قبول استعفا و عزل قضات، صاحب منصبان قوای مسلح، پولیس و امنیت ملی و مامورین عالی رتبه مطابق به احکام

قانون؛ ۱۴- تعیین سران نماینده گي های سياسي افغانستان نزد دول خارجي و موسسات بين المللي؛ ۱۵- قبول اعتماد نامه های نماینده گان سياسي خارجي در افغانستان؛ ۱۶- توشيح قوانين و فرامين تقنيني؛ ۱۷- اعطای اعتبار نامه به غرض عقد معاهدات بين الدول مطابق به احكام قانون؛ ۱۸- تخفيف و عفو مجازات مطابق به احكام قانون؛ ۱۹- اعطای مدالها، نشانها و القاب افتخاري مطابق به احكام قانون؛ ۲۰- تأسيس کميسيونها به منظور بهبود ادارهء کشور مطابق به احكام قانون؛ ۲۱- ساير صلاحيتها و وظيفات مندرج اين قانون اساسي.

ماده شصت و پنجم:

رئيس جمهور مي تواند در موضوعات مهم ملي سياسي، اجتماعي و يا اقتصادي به آراي عمومي مردم افغانستان مراجعه نمايد. مراجعه به آراي عمومي نبايد مناقض احكام اين قانون اساسي و يا مستلزم تعديل آن باشد.

مادهء شصت و ششم:

رئيس جمهور در اعمال صلاحيتهاي مندرج اين قانون اساسي، مصالح علياي مردم افغانستان را رعايت مي کند. رئيس جمهور نمي تواند بدون حکم قانون ملکيت های دولتي را بفروشد يا اهدا کند. رئيس جمهور نمي تواند در زمان تصدی وظيفه از مقام خود به ملحوظات لساني، سمتي، قومي، مذهبي و حزبي استفاده نمايد.

ماده شصت و هفتم:

در صورت استعفاء، عزل یا وفات رئیس جمهور و یا مریضی صعب العلاج که مانع اجرای

وظیفه شود، معاون اول رئیس جمهور صلاحیتها و وظایف رئیس جمهور را به عهده می گیرد.

رئیس جمهور استعفاءی خود را شخصاً به شورای ملی اعلام می نماید. تثبیت مریضی صعب

العلاج توسط هیئت طبی با صلاحیت که از طرف دادگاه عالی تعیین می گردد صورت می

گیرد. درین حالات در خلال مدت سه ماه انتخابات به منظور تعیین رئیس جمهور جدید طبق

ماده شصت و یکم این قانون اساسی برگزار می گردد. معاون اول رئیس جمهور در زمان

تصدی به حیث رئیس جمهور موقت امور ذیل را انجام داده نمی تواند: ۱- تعدیل قانون

اساسی؛ ۲- عزل وزرا؛ ۳- مراجعه به آراء عامه معاونین رئیس جمهور می توانند مطابق به

احکام این قانون اساسی خود را به ریاست جمهوری کاندید نمایند. در صورت غیاب رئیس

جمهور وظایف معاون اول توسط رئیس جمهور تعیین می گردد.

ماده شصت و هشتم:

هرگاه یکی از معاونین رئیس جمهور استعفاء و یا وفات نماید عوض وی شخصی دیگری

توسط رئیس جمهور به تائید مجلس نمایندگان تعیین می گردد. در صورت وفات همزمان

رئیس جمهور و معاون اول وی، بالترتیب معاون دوم، رئیس مشرانو جرگه (مجلس سنا)، رئیس

مجلس نمایندگان و وزیر خارجه یکی بعد دیگری مطابق به حکم مندرج ماده شصت و هفتم این قانون اساسی وظایف رئیس جمهور را به عهده می گیرد.

ماده شصت و نهم:

رئیس جمهور در برابر ملت و مجلس نمایندگان مطابق به احکام این ماده مسول میباشد. اتهام علیه رئیس جمهور به ارتکاب جرایم ضد بشری، خیانت ملی یا جنایت از طرف یک ثلث کل اعضای مجلس نمایندگان تقاضا شده می تواند. در صورتیکه این تقاضا از طرف دو ثلث کل آرای مجلس نمایندگان تائید گردد، مجلس نمایندگان در خلال مدت یک ماه جرگه بزرگ را دایر مینماید. هرگاه جرگه بزرگ اتهام منسوب را به اکثریت دو ثلث آرای کل اعضا تصویب نماید، رئیس جمهور از وظیفه منفصل و موضوع به دادگاه خاص محول میگردد. دادگاه خاص متشکل است از رئیس مجلس سنا سه نفر از اعضای مجلس نمایندگان و سه نفر از اعضای دادگاه عالی به تعیین جرگه بزرگ، اقامه دعوی توسط شخصیکه از طرف جرگه بزرگ تعیین میگردد صورت می گیرد. در این حالت احکام مندرج ماده شصت و هفتم این قانون اساسی تطبیق می گردد.

ماده هفتادم:

معاش و مصارف رئیس جمهور توسط قانون تنظیم می گردد. رئیس جمهور بعد از ختم دوره خدمت، با استثنای حالت عزل، برای بقیه مدت حیات از حقوق مالی دوره ریاست جمهوری مطابق به احکام قانون مستفید می شود.

فصل چهارم

حکومت

ماده هفتاد و یکم

حکومت متشکل است از وزرا که تحت ریاست رئیس جمهور اجرای وظیفه می نمایند. تعداد وزرا و وظایف شان توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده هفتاد و دوم

شخصی که به حیث وزیر تعیین می شود واجد شرایط ذیل میباشد: ۱- تنها حامل تابعیت افغانستان باشد. هرگاه کاندید وزارت تابعیت کشوردیگری را نیز داشته باشد، مجلس نمایندگان صلاحیت تائید و یا رد آنرا دارد. ۲- دارای تحصیلات عالی، تجربه کاری و شهرت نیک باشد؛ ۳- سن وی از سی و پنج سال کمتر نباشد؛ ۴- از طرف دادگاه به ارتکاب جرایم ضد بشری، جنایت و یا حرمان از حقوق مدنی محکوم نشده باشد.

ماده هفتاد و سوم

وزرا می توانند از اعضای شورای ملی یا خارج از آن تعیین شوند. هرگاه عضو شورای ملی به حیث وزیر تعیین شود، عضویت خود را در شورا از دست می دهد و در عوض وی شخص دیگری مطابق به حکم قانون تعیین میگردد.

ماده هفتاد و چهارم:

وزرا قبل از تصدی وظیفه حلف آتی را به حضور رئیس جمهور، بجا می آورند. بسم الله الرحمن الرحيم "به نام خداوند بزرگ (ج) سوگند یاد می کنم که دین مقدس اسلام را حمایت، قانون اساسی و سایر قوانین افغانستان را رعایت، حقوق اتباع را حفاظت و از استقلال، تمامیت ارضی و وحدت ملی مردم افغانستان حراست کنم و در همه اعمال خود خداوند (ج) را حاضر دانسته، وظایف محوله را صادقانه انجام دهم."

ماده هفتاد و پنجم:

حکومت دارای وظایف ذیل می باشد. ۱- تعمیم احکام این قانون اساسی و سایر قوانین و فیصله های قطعی محاکم؛ ۲- حفظ استقلال، دفاع از تمامیت ارضی و صیانت منافع و حیثیت افغانستان در جامعه بین المللی؛ ۳- تأمین نظم و امن عامه و از بین بردن هر نوع فساد اداری؛ ۴-

ترتیب بودجه ، تنظیم وضع مالی دولت و حفاظت دارایی عامه؛ ۵- طرح و تطبیق پروگرامهای
انکشافی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و تکنالوژیکی؛ ۶- ارائه گزارش به شورای ملی در
ختم سال مالی درباره امور انجام شده و پروگرام های عمده سال مالی جدید؛ ۷- انجام سایر
وظایفی که به موجب این قانون اساسی و قوانین دیگر ازوظایف حکومت دانسته شده است.

ماده هفتاد و ششم:

حکومت برای تطبیق خطوط اساسی سیاست کشور و تنظیم وظایف خود مقررات وضع
و تصویب می کند. این مقررات باید مناقض نص یا روح هیچ قانون نباشد.

ماده هفتاد و هفتم:

وزرا وظایف خود را به حیث آمرین واحد های اداری در داخل حدودی که این قانون اساسی
و سایر قوانین تعیین می کند، اجرا می نمایند . وزرا ازوظایف مشخصه خود نزد رئیس جمهور
و مجلس نمایندگان مسوولیت دارند.

ماده هفتاد و هشتم:

هرگاه وزیر به ارتکاب جرایم ضد بشری، خیانت ملی و یا سایر جرایم متهم گردد، قضیه با
رعایت ماده صد و سی و چهارم این قانون اساسی به دادگاه خاص محول می گردد.

ماده هفتاد و نهم:

حکومت می تواند در حالت تعطیل مجلس نمایندگان در صورت ضرورت عاجل، به استثنای امور مربوط به بودجه و امور مالی، فرامین تقنینی را ترتیب کند. فرامین تقنینی بعد از توشیح رئیس جمهور حکم قانون را حایز می شود. فرامین تقنینی باید در خلال ۳۰ روز از تاریخ انعقاد نخستین جلسه شورای ملی به آن تقدیم شود. و در صورتیکه از طرف شورای ملی رد شود، از اعتبار ساقط می گردد.

ماده هشتادم:

وزرا نمی توانند در زمان تصدی وظیفه از مقام خود به ملحوظات لسانی، سمتی، قومی، مذهبی و حزبی استفاده نمایند.

فصل پنجم

شورای ملی

ماده هشتاد و یکم

شورای ملی دولت جمهوری اسلامی افغانستان بحیث عالی ترین ارگان تقنینی مظهر ارادهء مردم آن است واز قاطبهء ملت نماینده گی می کند. هر عضو شورا در موقع اظهار رأی ، مصالح عمومی و منافع علیای مردم افغانستان را مدار قضاوت قرار می دهد.

ماده هشتاد و دوم:

شورای ملی متشکل از دو مجلس: مجلس نمایندگان و مجلس سنا می باشد. هیچ شخص نمی تواند در یک وقت عضو هر دو مجلس باشد.

ماده هشتاد و سوم:

اعضای مجلس نمایندگان توسط مردم از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم انتخاب می گردند . دورهء کار مجلس نمایندگان به تاریخ اول سرطان سال پنجم، بعد از اعلان نتایج انتخابات به پایان می رسد و شورای جدید به کار آغاز می نماید . انتخابات اعضای مجلس نمایندگان در خلال مدت سی الی شصت روز قبل از پایان دورهء مجلس نمایندگان برگزار می گردد. تعداد اعضای مجلس نمایندگان به تناسب نفوس هر حوزه حد اکثر دوصد و پنجاه نفر می باشد. حوزه های انتخاباتی و سایر مسایل مربوط به آن در قانون انتخابات تعیین می گردد. در قانون انتخابات باید تدابیری اتخاذ گردد که نظام انتخاباتی،

نماینده گی عمومی و عادلانه را برای تمام مردم کشور تأمین نماید و به تناسب نفوس از هر ولایت طور اوسط حد اقل دو وکیل زن در مجلس نمایندگان عضویت یابد.

ماده هشتاد و چهارم:

اعضای مجلس سنا به ترتیب ذیل انتخاب و تعیین می شوند: ۱- از جمله اعضای شورای هر ولایت، یک نفر به انتخاب شورای مربوط برای مدت چهار سال؛ ۲- از جمله اعضای شوراهای ولسوالیهای هر ولایت، یک نفر به انتخاب شورا های مربوط برای مدت سه سال؛ ۳- یک ثلث باقی مانده از جمله شخصیت های خیر و با تجربه به شمول دو نفر از نمایندگان معلولین و معیوبین و دو نفر نمایندگان کوچی ها به تعیین رئیس جمهور برای مدت پنج سال. رئیس جمهور تعداد پنجاه فیصد از این اشخاص را از بین زنان تعیین می نماید. شخصی که به حیث عضو مجلس سنا انتخاب می شود، عضویت خود را در شورای مربوطه از دست داده، به عوض او شخص دیگری مطابق به احکام قانون تعیین می گردد.

ماده هشتاد و پنجم:

شخصی که به عضویت شورای ملی کاندید یا تعیین می شود، علاوه بر تکمیل شرایط انتخاب کننده گان واجد اوصاف ذیل میباشد: ۱- تبعه افغانستان بوده یا حد اقل ده سال قبل از تاریخ کاندید یا تعیین شدن تابعیت دولت افغانستان را کسب کرده باشد؛ ۲- از طرف دادگاه به

ارتکاب جرایم ضد بشری، جنایت و یا حرمان از حقوق مدنی محکوم نشده باشد؛ ۳- اعضای مجلس نمایندگان سن بیست و پنج سالگی را در روز کاندید شدن و اعضای مجلس سنا سن سی و پنج سالگی را در روز کاندید یا تعیین شدن تکمیل کرده باشند؛

ماده هشتاد و شش:

و ثایق انتخاباتی اعضای شورای ملی توسط کمیسیون مستقل انتخابات مطابق به احکام قانون تدقیق می گردد.

ماده هشتاد و هفتم:

هریک از دو مجلس شورای ملی، در آغاز دوره کار، یک نفر از اعضای خود را به حیث رئیس برای یک دوره تقنینیه و دو نفر را به حیث نایب اول و نایب دوم و دو نفر را به حیث منشی و نایب منشی برای مدت یکسال انتخاب می کند. این اشخاص هیئت اداری مجلس نمایندگان و مجلس سنا را تشکیل می دهند. وظایف هیئت اداری در اصول و ظایف داخلی هر مجلس تعیین می شود.

ماده هشتاد و هشتم:

هریک از دو مجلس شورای ملی برای مطالعه موضوعات مورد بحث، بر طبق اصول و وظایف داخلی، کمیسیون ها تشکیل می دهد.

ماده هشتاد و نهم:

مجلس نمایندگان صلاحیت دارد به پیشنهاد یک ثلث اعضا، جهت بررسی و مطالعه اعمال حکومت، کمیسیون خاص تعیین نماید. ترکیب و طرز العمل این کمیسیون در اصول و وظایف داخلی مجلس نمایندگان تنظیم می گردد.

ماده نودم:

شورای ملی دارای صلاحیتهای ذیل می باشد: ۱- تصویب، تعدیل یا لغو قوانین و یا فرامین تقنینی؛ ۲- تصویب پروگرامهای انکشافی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و تکنالوژیکی؛ ۳- تصویب بودجه دولتی و اجازه اخذ یا اعطای قرضه؛ ۴- ایجاد واحد های اداری، تعدیل و یا الغای آن؛ ۵- تصدیق معاهدات و میثاقهای بین المللی یا فسخ الحاق افغانستان به آن؛ ۶- سایر صلاحیتهای مندرج این قانون اساسی.

ماده نود و یکم:

مجلس نمایندگان دارای صلاحیت های اختصاصی ذیل می باشد: ۱- اتخاذ تصمیم در مورد استیضاح از هریک از وزرا مطابق به حکم ماده نود و دوم این قانون اساسی؛ ۲- اتخاذ تصمیم راجع به پروگرامهای انکشافی و بودجه دولتی؛ ۳- تائید یا رد مقرریها مطابق به احکام این قانون اساسی؛

ماده نود و دوم:

مجلس نمایندگان به پیشنهاد بیست فیصد کل اعضا، می تواند از هریک از وزرا استیضاح به عمل آورد. هرگاه توضیح ارائه شده قناعت بخش نباشد، مجلس نمایندگان موضوع رأی عدم اعتماد را بررسی می کند. رأی عدم اعتماد از وزیر باید صریح، مستقیم و بر اساس دلایل موجه باشد. این رأی به اکثریت آراء کل اعضای مجلس نمایندگان صادر میگردد.

ماده نود و سوم:

هریک از کمیسیونهای هر دو مجلس شورای ملی می تواند از هریک از وزرا در موضوعات معین سوال نماید. شخصی که از او سوال به عمل آمده، می تواند جواب شفاهی یا تحریری بدهد.

ماده نود و چهارم:

قانون عبارت است از مصوبهء هردو مجلس شورای ملی که به توشیح رئیس جمهور رسیده باشد، مگر اینکه در این قانون اساسی طور دیگر تصریح گردیده باشد. در صورتیکه رئیس جمهور با مصوبهء شورای ملی موافقه نداشته باشد می تواند آنرا در ظرف پانزده روز از تاریخ تقدیم با ذکر دلایل به مجلس نمایندگان مسترد نماید. با سپری شدن این مدت ویا در صورتی که مجلس نمایندگان آنرا مجدداً با دو ثلث آرای کل اعضا تصویب نماید، مصوبه توشیح شده محسوب و نافذ می گردد.

ماده نود و پنجم:

پیشنهاد طرح قانون از طرف حکومت یا اعضای شورا و در ساحت تنظیم امور قضایی از طرف دادگاه عالی توسط حکومت صورت گرفته میتواند.

پیشنهاد طرح قانون در مورد بودجه و امور مالی صرف از طرف حکومت صورت می گیرد.

ماده نود و ششم:

هرگاه پیشنهاد طرح قانون حاوی تکلیف جدید یا تنقیص در عایدات دولت باشد، به شرطی در فهرست کار داخل میشود که در متن پیشنهاد، مدرک جبران نیز پیش بینی شده باشد.

ماده نود و هفتم:

پیشنهاد طرح قانون از طرف حکومت نخست به مجلس نمایندگان تقدیم می گردد. مجلس نمایندگان پیشنهاد طرح قانون را، به شمول بودجه وامور مالی و پیشنهاد اخذ و یا اعطای قرضه را، بعد از بحث به صورت یک کل تصویب یا رد میکند. مجلس نمایندگان نمی تواند طرح پیشنهاد شده را بیش از یک ماه به تأخیر اندازد. مجلس نمایندگان طرح قانون پیشنهاد شده را بعد از تصویب به مجلس سنا می سپارد. مجلس سنا در ظرف پانزده روز در مورد آن تصمیم اتخاذ می کند. شورای ملی به اتخاذ تصمیم در مورد طرح قوانین، معاهدات و پروگرامهای انکشافی دولت که به اساس پیشنهاد حکومت ایجاد رسیدگی عاجل را نماید اولویت میدهد. هرگاه پیشنهاد طرح قانون از طرف ده نفر از اعضای یکی از دو مجلس صورت گیرد، بعد از تائید یک پنجم اعضای مجلسی که پیشنهاد به آن ارائه شده است در فهرست کار آن مجلس داخل می گردد.

ماده نود و هشتم:

بودجه دولت و پروگرام انکشافی حکومت از طریق مجلس سنا توأم با نظریه مشورتی آن به مجلس نمایندگان تقدیم میشود. تصمیم مجلس نمایندگان بدون ارائه به مجلس سنا بعد از توشیح رئیس جمهور نافذ شمرده می شود. هرگاه نظر به عوامل تصویب بودجه قبل از آغاز سال مالی صورت نگیرد، تا تصویب بودجه جدید، بودجه سال گذشته تطبیق می گردد.

حکومت در خلال ربع چهارم سال مالی، بودجه سال آینده را با حساب اجمالی بودجه سال جاری به شورای ملی تقدیم می نماید. حساب قطعی بودجه سال مالی قبل، در خلال مدت شش ماه سال آینده مطابق به احکام قانون به شورای ملی تقدیم می گردد. مجلس نمایندگان نمی تواند تصویب بودجه را بیش از یکماه و اجازه اخذ و یا اعطای قرضه را که شامل بودجه نباشد، بیش از پانزده روزه تأخیر اندازد. هرگاه مجلس نمایندگان درین مدت راجع به پیشنهاد اخذ و یا اعطای قرضه تصمیم اتخاذ نکند، پیشنهاد تصویب شده محسوب می گردد.

ماده نود و نهم:

در صورتی که در اجلاس شورای ملی، بودجه سالانه یا پروگرام انکشافی یا موضوع مربوط به امنیت عامه، تمامیت ارضی و استقلال کشور مطرح باشد مدت اجلاس شورا قبل از تصویب آن خاتمه یافته نمیتواند.

ماده صدم:

هرگاه مصوبه یک مجلس از طرف مجلس دیگر رد شود، برای حل اختلاف هیئت مختلط به تعداد مساوی از اعضای هر دو مجلس تشکیل می گردد. فیصله هیئت بعد از توشیح رئیس جمهور، نافذ شمرده می شود. در صورتیکه هیئت مختلط نتواند اختلاف نظر را رفع کند، مصوبه رد شده به حساب می رود. درین حالت ولسی جرگه می تواند در جلسه بعدی آنرا با

دو ثلث آرای کل اعضا تصویب کند. این تصویب بدون ارائه به مجلس سنا بعد از توشیح رئیس جمهور نافذ شمرده می شود.

ماده صد و یکم:

هیچ عضو شورای ملی به علت رأی یا نظریه بی که در هنگام اجرای وظیفه ابراز می دارد، مورد تعقیب عدلی قرار نمی گیرد.

ماده صد و دوم:

هرگاه عضو شورای ملی به جرمی متهم شود، مامور مسول از موضوع به مجلسی که متهم عضو آن است، اطلاع می دهد و متهم تحت تعقیب عدلی قرار گرفته می تواند. در مورد جرم مشهود، مامور مسول می تواند متهم را بدون اجازهء مجلسی که او عضو آن می باشد تحت تعقیب عدلی قرار دهد و گرفتار نماید. در هر دو حالت، هرگاه تعقیب عدلی قانوناً توقیف را ایجاد کند، مامور مسول مکلف است موضوع را بلافاصله به اطلاع مجلس مربوط برساند و تصویب آنرا حاصل نماید. اگر اتهام در هنگام تعطیل شورای صورت بگیرد، اجازهء گرفتاری یا توقیف از هیئت اداری مجلس مربوط حاصل می گردد و موضوع به نخستین جلسهء مجلس مذکور جهت اخذ تصمیم ارائه می شود.

ماده صد و سوم:

وزار می توانند در جلسات هریک ازدو مجلس شورای ملی اشتراک ورزند. هر مجلس شورای ملی می تواند حضور وزرا را در جلسه خود مطالبه کند .

ماده صد و چهار:

هر دو مجلس شورای ملی در وقت واحد به صورت جداگانه جلسه می کنند. جلسات هر دو مجلس در موارد ذیل می تواند به طور مشترک دایر شود: ۱- درموقعی که دورهء تقنینیه یا

اجلاس سالانه از طرف رئیس جمهور افتتاح می گردد؛ ۲- در صورتیکه رئیس جمهور ضروری تشخیص دهد. رئیس مجلس نمایندگان ، از جلسات مشترک شورای ملی ریاست می نماید.

ماده صد و پنجم:

جلسات شورای ملی علنی می باشد مگر اینکه رئیس مجلس یا حد اقل ده نفر از اعضای

شورای ملی، سری بودن آنرا در خواست نمایند ومجلس این درخواست را بپذیرد. هیچ شخصی نمی تواند عنفاً به مقرر شورای ملی داخل شود.

ماده صد و ششم:

نصاب هریک از دو مجلس شورای ملی، هنگام رأی گیری با حضور اکثریت اعضا تکمیل می گردد و تصامیم آن با اکثریت آرای اعضای حاضر اتخاذ می شود، مگر در مواردی که این قانون اساسی طور دیگری تصریح نموده باشد.

ماده صد و هفتم:

شورای ملی در هر سال دو اجلاس عادی دایر می کند. مدت کار هر دو اجلاس شوری، در هر سال نه ماه می باشد. در صورت ایجاب، شوری می تواند این مدت را تمدید کند. جلسات فوق العاده شوری در ایام تعطیل به امر رئیس جمهور دایر شده می تواند.

ماده صد و هشتم:

در حالات وفات، استعفا و عزل عضو شورای ملی و یا معلولیت یا معیوبیتی که به طور دایم مانع اجرای وظیفه گردد، تعیین نماینده جدید برای مدت باقی مانده دوره تقنینیه، مطابق به احکام قانون صورت میگیرد. امور مربوط به حضور و غیاب اعضای شورای ملی در اصول وظایف داخلی تنظیم می گردد.

ماده صد و نهم:

پیشنهاد تعدیل قانون انتخابات، در یک سال اخیر دوره تقنینیه، در فهرست کار شورای ملی داخل شده نمی تواند.

فصل ششم

جرگه بزرگ (لویه جرگه)

ماده صد و دهم:

جرگه بزرگ عالی ترین مظهر ارادهء مردم افغانستان می باشد. جرگه بزرگ متشکل است از:

۱- اعضای شورای ملی؛ ۲- روسای شوراهای ولایات و ولسوالیها. وزراء، رئیس و اعضای

دادگاه عالی و دادستانی کل می توانند در جلسات جرگه بزرگ بدون حق رأی اشتراک

ورزند .

ماده صد و یازدهم :

جرگه بزرگ درحالات ذیل دایر می گردد: ۱- اتخاذ تصمیم درمورد مسایل مربوط به

استقلال ، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و مصالح علیای کشور، ۲- تعدیل احکام این قانون

اساسی؛ ۳- محاکمه رئیس جمهور مطابق به حکم مندرج ماده شصت و نهم این قانون اساسی.

ماده صد و دوازدهم:

جرگه بزرگ در اولین جلسه، از میان اعضا یک نفر را به حیث رئیس و یک نفر را بحیث معاون و دو نفر را بحیث منشی و نایب منشی انتخاب می کند.

ماده صد و سیزدهم:

نصاب جرگه بزرگ هنگام رأی دهی، با حضور اکثریت اعضا تکمیل می گردد. تصامیم جرگه بزرگ، جز در مواردی که در این قانون اساسی صریحاً ذکر گردیده، با اکثریت آرای کل اعضا اتخاذ می گردد.

ماده صد و چهاردهم:

مباحثات جرگه بزرگ علنی می باشد مگر اینکه یک ربع اعضا سری بودن آنرا درخواست نمایند و جرگه بزرگ این درخواست را بپذیرد.

ماده صد و پانزدهم:

در هنگام دایر بودن جرگه بزرگ، احکام مندرج مواد صد و یکم و صد و دوم این قانون اساسی، در مورد اعضای آن تطبیق می گردد.

فصل هفتم

قضاء

ماده صد و شانزدهم:

قوه قضائیه رکن مستقل دولت جمهوری اسلامی افغانستان می باشد. قوه قضائیه مرکب است از یک دادگاه عالی، محاکم استیناف و محاکم ابتدائیه که تشکیلات و صلاحیت آنها توسط قانون تنظیم می گردد. دادگاه عالی به حیث عالیترین ارگان قضایی در رأس قوه قضائیه جمهوری اسلامی افغانستان قرار دارد.

ماده صد و هفدهم:

دادگاه عالی مرکب است از نه عضو که از طرف رئیس جمهور با تائید مجلس نمایندگان و با رعایت احکام مندرج فقره آخر ماده پنجاهم و ماده صد و هجدهم این قانون اساسی در آغاز به ترتیب ذیل تعیین میگردند. سه نفر برای مدت چهار سال، سه نفر برای مدت هفت سال و سه نفر برای مدت ده سال. تعیینات بعدی برای مدت ده سال می باشد. تعیین اعضا برای بار دوم جواز ندارد. رئیس جمهور یکی از اعضا را به حیث رئیس دادگاه عالی تعیین می کند. اعضای دادگاه عالی به استثنای حالت مندرج ماده صد و بیست و هفتم این قانون اساسی، تاختم دوره خدمت از وظایف شان عزل نمی شوند.

ماده صد و هجدهم:

عضو دادگاه عالی واجد شرایط ذیل می باشد: ۱- سن رئیس و اعضا در حین تعیین از چهل سال کمتر نباشد؛ ۲- تبعه افغانستان باشد؛ ۳- در علوم حقوقی و یا فقهی تحصیلات عالی و در نظام قضایی افغانستان تخصص و تجربه کافی داشته باشد؛ ۴- دارای حسن سیرت و شهرت نیک باشد؛ ۵- از طرف دادگاه به ارتکاب جرایم ضد بشری، جنایت و یا حرمان از حقوق مدنی محکوم نشده باشد؛ ۶- در حال تصدی و وظیفه در هیچ حزب سیاسی عضویت نداشته باشد.

ماده صد و نوزدهم:

اعضای دادگاه عالی قبل از اشغال و وظیفه، حلف آتی را در حضور رئیس جمهور بجا می آورند: بسم الله الرحمن الرحيم "به نام خداوند بزرگ (ج) سوگند یاد می کنم که حق و عدالت را بر طبق احکام دین مقدس اسلام، نصوص این قانون اساسی و سایر قوانین افغانستان تأمین نموده، وظیفه و قضا را با کمال امانت صداقت و بی طرفی اجرا نمایم."

ماده صد و بیستم:

صلاحیت قوه قضائیه شامل رسیدگی به تمام دعاوی است که از طرف اشخاص حقیقی یا حکمی، به شمول دولت به حیث مدعی یا مدعی علیه در پیشگاه دادگاه مطابق به احکام قانون اقامه شود.

ماده صد و بیست و یکم:

بررسی مطابقت قوانین، فرامین تقنینی، معاهدات بین الدول و میثاق های بین المللی با قانون اساسی و تفسیر آنها بر اساس تقاضای حکومت و یا محاکم، مطابق به احکام قانون از صلاحیت دادگاه عالی می باشد.

ماده صد و بیست و دوم:

هیچ قانون نمی تواند در هیچ حالت، قضیه یا ساحه یی را از دایره صلاحیت قوه قضائیه به نحوی که در این فصل تحدید شده، خارج بسازد و به مقام دیگر تفویض کند. این حکم مانع تشکیل محاکم خاص مندرج مواد شصت و نهم، هفتاد و هشتم و صد و بیست و هفتم این قانون اساسی و محاکم عسکری در قضایای مربوط به آن نمی گردد. تشکیل و صلاحیت این نوع محاکم توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده صد و بیست و سوم:

با رعایت احکام این قانون اساسی، قواعد مربوط به تشکیل صلاحیت و اجراءات محاکم و امور مربوط به قضات توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده صد و بیست و چهارم:

در مورد مامورین و سایر کارکنان اداری قوه قضائیه، احکام قوانین مربوط به مامورین و سایر کارکنان اداری دولت نافذ می باشد ولی تقرر، انفکاک، ترفیع، تقاعد، مجازات و مکافات شان توسط دادگاه عالی مطابق به احکام قانون صورت می گیرد.

ماده صد و بیست و پنجم:

بودجه قوه قضائیه به مشوره حکومت از طرف دادگاه عالی ترتیب گردیده، به حیث جز بودجه دولت، توسط حکومت به شورای ملی تقدیم می شود. تطبیق بودجه قوه قضائیه از صلاحیت دادگاه عالی می باشد.

ماده صد و بیست و ششم:

اعضای دادگاه عالی بعد از ختم دوره خدمت برای بقیه مدت حیات از حقوق مالی دوره خدمت مستفید می شوند مشروط بر اینکه به مشاغل دولتی و سیاسی اشتغال نوزند.

ماده صد و هفتم:

هرگاه بیش از یک ثلث اعضای مجلس نمایندگان، محاکمهء رئیس یا عضو دادگاه عالی را براساس اتهام به جرم ناشی از اجرای وظیفه یا ارتکاب جنایت تقاضا نماید و مجلس نمایندگان این تقاضا را با اکثریت دوثلث کل اعضا تصویب کند، متهم از وظیفه عزل و موضوع به دادگاه خاص محول می گردد. تشکیل دادگاه و طرز العمل محاکمه، توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده صد و بیست و هشتم:

در محاکم افغانستان، محاکمه بصورت علنی دایر می گردد و هر شخص حق دارد با رعایت احکام قانون در آن حضور یابد. دادگاه می تواند درحالاتی که در قانون تصریح گردیده، یا سری بودن محاکمه ضروری تشخیص گردد، جلسات سری دایر کند ولی اعلام حکم باید به هر حال علنی باشد.

ماده صد و بیست و نهم:

دادگاه مکلف است اسباب حکمی را که صادر می نماید، در فیصله ذکر کند. تمام فیصله های قطعی محاکم واجب - التعمیل است مگر درحالت حکم به مرگ شخص که مشروط به منظوری رئیس جمهور می باشد.

ماده صد و سی ام:

محاکم در قضایای مورد رسیدگی، احکام این قانون اساسی و سایر قوانین را تطبیق می کنند.

هرگاه برای قضیه یی از قضایای مورد رسیدگی، در قانون اساسی و سایر قوانین، حکمی

موجودی نباشد، محاکم به پیروی از احکام فقه حنفی و در داخل حدودی که این قانون اساسی

وضع نموده، قضیه را به نحوی حل و فصل می نمایند که عدالت را به بهترین وجه تأمین نماید.

ماده صد و سی و یکم:

محاکم برای اهل تشیع، در قضایای مربوط به احوال شخصیه، احکام مذهب تشیع را مطابق به

احکام قانون تطبیق می نمایند. در سایر دعاوی نیز اگر در این قانون اساسی و قوانین دیگر

حکمی موجود نباشد، محاکم قضیه را مطابق به احکام این مذهب حل و فصل می نمایند.

ماده صد و سی و دوم:

قضات به پیشنهاد دادگاه عالی و منظوری رئیس جمهور تعیین می گردند. تقرر، تبدل، ترفیع،

مواخذه و پیشنهاد تقاعد قضات مطابق به احکام قانون از صلاحیت دادگاه عالی می باشد.

دادگاه عالی بمنظور تنظیم بهتر امور اجرایی و قضایی و تأمین اصلاحات لازم، آمریت عمومی

اداری قوه قضائیه را تأسیس می نماید.

ماده صد و سی و سوم:

هرگاه قاضی به ارتکاب جنایت متهم شود، دادگاه عالی مطابق به احکام قانون به حالت قاضی رسیدگی نموده، پس از استماع دفاع او، در صورتیکه دادگاه عالی اتهام را وارد بداند پیشنهاد عزلش را به رئیس جمهور تقدیم و با منظوری آن از طرف رئیس جمهور، قاضی متهم از وظیفه معزول و مطابق به احکام قانون مجازات می شود.

ماده صد و سی و چهارم:

کشف جرایم، توسط پولیس و تحقیق جرایم و اقامه دعوا علیه متهم در دادگاه، از طرف دادستانی مطابق به احکام قانون صورت می گیرد. دادستانی جزء قوه اجرائیه و در اجراءات خود مستقل می باشد. تشکیل، صلاحیت و طرز فعالیت دادستانی توسط قانون تنظیم می گردد. کشف و تحقیق جرایم و وظیفوی منسوبین قوای مسلح، پولیس و موظفین امنیت ملی، توسط قانون خاص تنظیم می گردد.

ماده صد و سی و پنجم:

اگر طرف دعوا زبانی را که محاکمه توسط آن صورت میگیرد، نداند، حق اطلاع به مواد و اسناد قضیه و صحبت در دادگاه به زبان مادری توسط ترجمان برایش تأمین میگردد.

فصل هشتم

اداره

ماده صد و سی و ششم:

اداره جمهوری اسلامی افغانستان بر اساس واحدهای اداره مرکزی و ادارات محلی، طبق قانون، تنظیم می گردد. اداره مرکزی به یک عده واحدهای اداری منقسم می گردد که در رأس هر کدام یک نفر وزیر قرار دارد. واحد اداره محلی، ولایت است. تعداد، ساحه،

اجزا و تشکیلات ولایات و ادارات مربوط، بر اساس تعداد نفوس، وضع اجتماعی و اقتصادی و موقعیت جغرافیایی توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده صد و سی و هفتم:

حکومت با حفظ اصل مرکزیت به منظور تسریع و بهبود امور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سهم گیری هر چه بیشتر مردم در انکشاف حیات ملی، صلاحیت های لازم را مطابق به احکام قانون، به اداره محلی تفویض می نماید.

ماده صد و سی و هشتم:

در هر ولایت یک شورای ولایتی تشکیل میشود. اعضای شورای ولایتی، طبق قانون، به تناسب نفوس، از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم از طرف ساکنین ولایت برای مدت چهار سال انتخاب می گردند. شورای ولایتی یک نفر از اعضای خود را به حیث رئیس انتخاب می نماید.

ماده صد و سی و نهم:

شورای ولایتی در تأمین اهداف انکشافی دولت و بهبود امور ولایت به نحوی که در قوانین تصریح می گردد، سهم گرفته و در مسایل مربوط به ولایت مشوره می دهد. شورای ولایتی وظایف خود را با همکاری اداره محلی اجرا می نماید.

ماده صد و چهلم:

برای تنظیم امور و تأمین اشتراک فعال مردم در اداره محلی، در ولسوالی ها و قریه ها، مطابق به احکام قانون، شوراها تشکیل می گردند. اعضای این شوراها از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم از طرف ساکنین محل برای مدت سه سال انتخاب می شوند. سهم گیری کوچیان در شورای های محلی مطابق به احکام قانون تنظیم می گردد.

ماده صد و چهل و یکم

برای اداره امور شهری، شهرداری تشکیل می شود. شهردار و اعضای مجالس شهرداری، از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم انتخاب می شوند. امور مربوط به شهرداریها توسط قانون تنظیم می گردند.

ماده صد و چهل و دوم

دولت به مقصد تعمیم احکام و تأمین ارزشهای مندرج این قانون اساسی، ادارات لازم را تشکیل می نماید.

فصل نهم

حالت اضطرار

ماده صد و چهل و سوم

هرگاه به علت جنگ، خطر جنگ، اغتشاش و خیم، آفات طبیعی و یا حالت مماثل، حفظ استقلال و حیات ملی از مجرای که در قانون اساسی تعیین شده، ناممکن گردد، حالت اضطرار از طرف رئیس جمهور با تأیید شورای ملی در تمام یا بعضی از ساحات کشور اعلان می شود. هرگاه حالت اضطرار بیش از دو ماه دوام نماید، برای تمدید آن، موافقت شورای ملی شرط است.

ماده صد و چهل و چهارم:

در حالت اضطرار رئیس جمهور می تواند به مشوره روسای شورای ملی و دادگاه عالی ،

بعضی از صلاحیت های شورای ملی را به حکومت انتقال دهد . ماده صد و چهل و پنجم:

در حالت اضطرار، رئیس جمهور می تواند بعد از تأیید روسای شورای ملی و دادگاه عالی ،

تنفیذ احکام ذیل را معطل بسازد و یا بر آن ها قیودی وضع نماید : ۱- فقره دوم ماده بیست

وهفتم ؛ ۲- ماده سی و ششم ؛ ۳- فقره دوم ماده سی وهفتم ؛ ۴- فقره دوم ماده سی و هشتم ؛

ماده صد و چهل و ششم:

در حالت اضطرار، قانون اساسی تعدیل نمی شود .

ماده صد و چهل و هفتم :

هر گاه دوره ریاست جمهوری و یا دوره تقنینیه شورای ملی در حالت اضطرار ختم شود ،

اجرای انتخابات جدید ملتوی گذاشته شده، مدت خدمت رئیس جمهور و اعضای شورای

ملی تا چهار ماه تمدید می شود . هر گاه حالت اضطرار بیش از چهار ماه دوام نماید جرگه

بزرگ از طرف رئیس جمهور دعوت می شود . بعد از ختم حالت اضطراری ، در خلال مدت

دو ماه، انتخابات برگزار می گردد.

ماده صد و چهل و هشتم :

درختم حالت اضطرار ، اقداماتی که براساس مواد صد و چهل و چهارم و صد و چهل و پنجم این قانون اساسی به عمل آمده، بلافاصله از اعتبار ساقط میگردند.

فصل دهم

تعدیل

ماده صد و چهل و نهم:

اصل پیروی از احکام دین مقدس اسلام و نظام جمهوری اسلامی تعدیل نمی شوند. تعدیل حقوق اساسی اتباع صرف بمنظور بهبود حقوق آنان مجاز می باشد. تعدیل دیگر محتویات این قانون اساسی، نظر به تجارب و مقتضیات عصر، با رعایت احکام مندرج مواد شصت و هفتم و صد و چهل و هشتم این قانون اساسی، با پیشنهاد رئیس جمهور یا اکثریت اعضای شورای ملی صورت می گیرد.

ماده صد و پنجاهم:

به منظور اجرای پیشنهاد تعدیل ، هیئتی ازین اعضای حکومت، شورای ملی و دادگاه عالی به فرمان رئیس جمهور تشکیل گردیده، طرح تعدیل را تهیه می کند. برای تصویب تعدیل ،

جرگه بزرگ براساس فرمان رئیس جمهور ومطابق به احكام فصل جرگه بزرگ دایر می گردد. هرگاه جرگه بزرگ با اکثریت دو ثلث کل اعضا طرح تعدیل را تصویب کند، بعد از توشیح رئیس جمهور نافذ می گردد.

فصل یازدهم

احكام متفرقه

ماده صد و پنجاه و یکم:

رئیس جمهور، معاونین رئیس جمهور وزرا، رئیس واعضای دادگاه عالی، دادستان کل، روسای بانک مرکزی و امنیت ملی، والیان و شهردارها درمدت تصدی وظیفه نمی توانند هیچ معاملهء انتفاعی رابا دولت انجام دهند.

ماده صد و پنجاه و دوم:

رئیس جمهور، معاونین رئیس جمهور، وزرا، روسا و اعضای شورای ملی و دادگاه عالی، دادستان کل و قضات نمی توانند درمدت تصدی وظیفه به مشاغل دیگری اشتغال ورزند.

ماده صد و پنجاه و سوم:

قضات ، دادستانان ، صاحب منصبان قوای مسلح و پولیس و متسویین امنیت ملی، در مدت تصدی وظیفه نمی توانند در احزاب سیاسی عضویت داشته باشند .

ماده صد و پنجاه و چهارم:

دارایی رئیس جمهور ، معاونین رئیس جمهور ، وزراء ، اعضای دادگاه عالی و دادستان کل قبل و بعد از دوره خدمت ، توسط ارگانی که در قانون تعیین می گردد، ثبت ، رسیده گی و نشر می شود .

ماده صد و پنجاه و پنجم:

برای معاونین رئیس جمهور ، وزراء ، روسا و اعضای شورای ملی و دادگاه عالی، قضات و دادستان کل مطابق به احکام قانون معاش مناسب تعیین می گردد.

ماده صد و پنجاه و ششم:

کمیسیون مستقل انتخابات برای اداره و نظارت بر هر نوع انتخابات و مراجعه به آرای عمومی مردم در کشور مطابق به احکام قانون تشکیل می گردد.

ماده صد و پنجاه و هفتم:

کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی مطابق به احکام قانون تشکیل می‌گردد. اعضای این کمیسیون از طرف رئیس جمهور به تائید مجلس نمایندگان تعیین می‌گردند.

فصل دوازدهم

احکام انتقالی

ماده صد و پنجاه و هشتم:

لقب بابای ملت و امتیازاتی که توسط جرگه بزرگه اضطراری سال یک هزار و سه صد و هشتاد و یک هجری شمسی به اعلیحضرت محمد ظاهر شاه، پادشاه سابق افغانستان، اعطاء شده است با رعایت احکام این قانون اساسی مادام الحیات برای ایشان محفوظ می‌باشد.

ماده صد و پنجاه و نهم:

مدت بعد از نفاذ این قانون اساسی تا تاریخ افتتاح شورای ملی، دوره انتقال شمرده می‌شود. دولت انتقالی اسلامی افغانستان، در دوره انتقال، وظایف ذیل را انجام می‌دهد: ۱- اصدار فرامین تقنینی مربوط به انتخابات ریاست جمهوری، شورای ملی و شوراهای محلی، در مدت شش ماه؛ ۲- اصدار فرامین در مورد تشکیلات و صلاحیت محاکم و آغاز کار روی قانون تشکیلات اساسی در خلال مدت کمتر از یکسال؛ ۳- تشکیل کمیسیون مستقل انتخابات؛ ۴-

انجام اصلاحات لازم به منظور تنظیم بهتر امور اجرایی و قضایی؛ ۵- اتخاذ تدابیر لازم جهت آماده ساختن زمینه برای تطبیق احکام این قانون اساسی.

ماده صد و شصتم:

اولین رئیس جمهور منتخب، سی روز بعد از اعلام نتایج انتخابات، مطابق به احکام این قانون اساسی به کار آغاز می کند. کوشش همه جانبه صورت می گیرد تا اولین انتخابات رئیس جمهور و شورای ملی با هم در یک وقت صورت بگیرد. صلاحیت های شورای ملی مندرج در این قانون اساسی تا زمان تأسیس این شورا به حکومت تفویض میشود و دادگاه عالی موقت به فرمان رئیس جمهور تشکیل می گردد.

ماده صد و شصت و یکم

شورای ملی، وظایف و صلاحیت های خود را به مجرد تأسیس، مطابق به احکام این قانون اساسی، اعمال می کند. بعد از دایر شدن اولین جلسه شورای ملی، در خلال مدت سی روز، حکومت و دادگاه عالی مطابق به احکام این قانون اساسی تشکیل می گردند. رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان تا زمانیکه رئیس جمهور منتخب به کار آغاز کند اجرای وظیفه می نماید. ارگانهای اجرایی و قضایی دولت با رعایت حکم فقره چهارم ماده صد و پنجاه و نهم این قانون اساسی، الی تشکیل حکومت و ستره دادگاه به وظایف خود ادامه میدهند. فرامین

تقنینی که از آغاز دورهء موقت به بعد نافذ گردیده است به اولین جلسهء شورای ملی ارجاع می گردند. این فرامین تا زمانیکه از طرف شورای ملی لغو نگردیده باشند نافذ می باشند.

ماده صد و شصت و دوم

این قانون اساسی از تاریخ تصویب جرگه بزرگ نافذ و از طرف رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان توشیح و اعلام می گردد. با نفاذ این قانون اساسی، قوانین و فرامین تقنینی مغایر احکام آن ملغی می باشد.

بسم الله الرحمن الرحيم

فرمان رئیس دولت انتقالی افغانستان درمورد توشیح قانون اساسی افغانستان

شماره: ۱۰۳

تاریخ: ۱۳۸۲/۱۱/۶

بنام خداوند بزرگ و به آرزوی سعادت مردم نجیب و صلحدوست افغانستان، قانون اساسی جدید را که توسط لویه جرگه (جرگه بزرگ) تاریخی ۲۲ قوس الی ۱۴ جدی ۱۳۸۲ هجری شمسی، منعقدۀ شهر کابل در ۱۲ فصل و ۱۶۲ ماده به اتفاق آراء تصویب گردید، توشیح و انفاذ آنرا اعلام می دارم. از بارگاه خداوند متعال استدعا دارم تا این قانون اساسی با رعایت احکام دین مبین اسلام، تحکیم وحدت ملی، تحقق اهداف دموکراسی، اعمار جامعه مدنی، رفاه همگانی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، مشعل راه دولت و مردم کشور گردیده، صلح، برابری و برادری را بین ملت افغانستان تأمین نماید. و من الله توفیق حامد کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان ۶- دلو - ۱۳۸۲